

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور

دانشکده حقوق

گروه علمی حقوق

عنوان پایان نامه:

کرامت انسانی در تفسیرهای حقوق بشر

نگارش:

سیدحسن شرفی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر تقی زاده انصاری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر فاخری

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق بین الملل

ماه و سال

مهرماه ۱۳۸۹

تقدیم

تقدیم به کلیه اساتید معزز و بزرگوار و خواهر ارجمندم سرکار
خانم دکتر شرفی که همواره در راه تحصیل علم مشوق
اینجانب بوده‌اند.

سپاس و تقدیر

بود عشق تو یارب تابش دل	الهی ای مرا آسایش دل
به فریادم ز هجرت در شب و روز	ندارم مایه‌ای جز آه و جز سوز
ز فیض تو روانم کام گیرد	دلّم از یاد تو آرام گیرد
به عجز و ناتوانی دارم اقرار	زبان را جز به یادت نیست گفتار

سپاس و حمد خداوند منان را که به ما بزرگترین نعمت هستی بخشید و قدرت تفکر و تعقل عنایت فرمود.

درود بر پیامبران عظیم‌الشان الهی به خصوص نبی مکرم اسلام، و خاتم خاندان نبوت، حضرت محمد(ص) که اول معلمان بشر بودند، و بزرگترین موهبت عظیم الهی یعنی وحی بر این پیامبر گرامی نازل گشت.

از استاد ارجمند و فرزانه جناب آقای دکتر تقی‌زاده انصاری که از اساتید صاحب‌نظر و دارای آثار ارزشمند در حقوق بشر می‌باشند و با داشتن مشغله متعدد علمی با حسن خلق به عنوان استاد راهنما زحمات اینجانب را تقبل فرمودند کمال تشکر و امتنان دارم.

یاد باد آنچه به من گفت استاد	گفت استاد مبرر درس از یاد
حیف استاد به من یاد نداد	قدر استاد نکو دانستن

همچنین از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر فاخری که در مقام استاد مشاور مشتاقانه اینجانب را یاری فرمودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده

در حقیقت حقوق بشر انعکاسی از اخلاق، ادبیات، ایدئولوژی و عملکرد سیاسی لیبرالیسم غربی است. حقوق بشر مانند حقوق داخلی در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف ظرفیت‌هایی دارد که موضوعات آن در این ظرفیت‌ها مطلوب تعدادی از انسان‌ها و جوامع بشری و منفور برخی دیگر است. طرفداران و مخالفینی دارد. برداشت‌های مختلفی را می‌توانم از حقوق بشر مورد نقد و بررسی قرار داد که یکی از آنها مولفه‌ی جهانی بودن حقوق بشر است که در این راستا این حقوق متعلق به کلیه ابناء بشر است و در زمره حقوق طبیعی کلیه انسانها قرار می‌گیرد و از شمول مسائل داخلی دولت‌ها خارج شده و جزو مسائل بین‌المللی و در حیطه حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر زمینه و بستری را برای تحت تأثیر قرار دادن عملکرد دولت‌ها تشکیل می‌دهد. از این منظر سیاست بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر در گستره ارتباطات جهانی و فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند تحولات وسیعی را در امور داخلی و بین‌المللی به وجود آورد. امروزه تحولات تعهداتی نیز با وصف بین‌المللی (Erga omnes) به صورت هنجارهای بین‌المللی دلالت بر انسانی کردن نظم حقوق بین‌المللی حاکم بر روابط بین و در درون دولت‌ها و از سوی دیگر جهان‌شمولی حقوق بشر دارد.

اما مولفه‌ی نسبی‌گرایی یا نسبیت فرهنگی دیدگاه دیگر طرفداران حقوق بشر است که به لحاظ تفاوت فرهنگ و تمدن هر کشوری با کشور دیگر مجموعه‌ی حداقل‌های به رسمیت شناخته شده جهانی حول محور «انسانیت» فراتر از عواملی چون فرهنگ، دین و قوم تحت تأثیر شکاف‌هایی در نظام بین‌الملل قرار دارد. این اختلاف فرهنگ‌ها می‌تواند آثاری بر اجرای قواعد حقوق بشر داشته باشند که حتی منجر به رفتارهای سبانه و غیرانسانی دولت‌ها نسبت به انسانها گردند. چنانچه در جهان دوقطبی ایدئولوژیک دوران جنگ سرد، دنیای غرب فاصله جهان شرق را از معیارهای حقوق بشر بسیار زیاد ارزیابی می‌نمود و رژیم شرقی را رژیم خودکامه و خشن تلقی می‌کرد.

به طور کلی حمایت از حقوق بشر و ارتقاء آن می‌تواند رافع بسیاری از نقیصه‌های رفتاری دولت‌ها با شهروندان گشته و بدون اینکه رنگ، نژاد، مرز جغرافیایی ملاک عمل قرار گیرد از آزادی جان و مال انسان‌ها در اقالیم مختلف در مقابل تعرضات دفاع نماید. مخاطبین حقوق بشر در اصل کل

دنیای بشر است که این ایده در قرن هیجدهم مطرح شد و روز به روز بر غنای خود افزود و دایره مطالبات خود را توسعه داد.

اندیشه حقوق بشر در تقابل فرد با دولت شکل گرفت. در دوران قدیم که پادشاه را ظل الله و سلطنت را عطیه خدا می‌دانستند آنچه برای مردم مطرح بود قدرت بی‌حد و حصر حاکمان و پادشاهان وقت بود که مردم تحت حاکمیت خود را به کرنش و اطاعت محض دعوت می‌کرد. تجربه تلخ جنگ جهانی این اندیشه را تغییر داد که باید چاره‌ای اندیشید تا زمینه تکرار آن خشونت‌ها از بین برود لذا منشور آتلانتیک مورخ ۱۴ اوت سال ۱۹۴۱ میلادی در بحبوحه جنگ از سوی متفقین صادر شد و در اصل ششم خود رهایی انسان‌ها از «ترس و فقر» را نوید داد و سرانجام اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی شامل یک مقدمه و سی ماده انتشار یافت و حقوق و آزادی‌هایی را به رسمیت شناخت و با اندکی تغییرات در دو سند جداگانه به عنوان میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی تکرار شد. لیکن اجرای آنها تا سال ۱۹۷۶ میلادی به تأخیر افتاد که در صحنه بین‌المللی ارزش‌های خوبی را برای حقوق بشر و کرامت انسانی به همراه داشت و در این مرحله حقوق بشر شکل گرفت.

کلید واژه:

- ۱- کرامت انسانی
- ۲- حاکمیت مطلوب
- ۳- حقوق بشر
- ۴- حقوق بشر دوستانه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	بیان مسأله
۵	فرضیه‌های پژوهش
۵	شیوه‌های تحقیق
۶	یافته‌های کلی تحقیق
۸	تعریف کرامت انسانی
۱۱	فصل اول: تفسیر کرامت انسانی در معاهدات بین‌المللی و اسناد سازمان ملل
۱۲	بخش اول: کرامت انسانی در معاهدات بین‌المللی
۱۷	گفتار اول: نگرش ارکان مبتنی بر معاهدات حقوق بشر به کرامت انسانی
۱۷	مبحث اول: کمیته حقوق کودک و نقش آن در رابطه با کرامت انسانی
۲۲	مبحث دوم: کمیته بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و کرامت انسانی
۲۳	گفتار دوم: کمیته بین‌المللی امحاء کلیه اشکال تبعیض نژادی و کرامت انسانی
۲۴	مبحث اول: کمیته محو هرگونه تبعیض علیه زنان و نقش آن در رابطه با کرامت انسانی
۲۵	مبحث دوم: کمیته مقابله با شکنجه و نقش آن در رابطه با کرامت انسانی
۲۹	بخش دوم: کرامت انسانی در اسناد سازمان ملل
۳۳	گفتار اول: تفسیر اعلامیه جهانی حقوق بشر
۳۵	مبحث اول: میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی
۳۸	مبحث دوم: میثاق حقوق مدنی و سیاسی
۴۱	گفتار دوم: حقوق همبستگی یا حقوق نسل سوم
۴۲	مبحث اول: حق توسعه و کرامت انسانی
۴۳	مبحث دوم: حق صلح و محیط زیست سالم و کرامت انسانی
۴۵	فصل دوم: کرامت انسانی در سازمان‌های بین‌المللی و ارکان سازمان ملل و رویه قضایی و سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی، تجاری، مالی

صفحه	عنوان
۴۶	بخش اول: کرامت انسانی در سازمان‌های بین‌المللی و ارکان سازمان ملل متحد
۴۹	گفتار اول: کرامت انسانی در مجمع عمومی سازمان ملل
۵۱	مبحث اول: نقش شورای اقتصادی و اجتماعی در رابطه با کرامت انسانی
۵۴	مبحث دوم: نقش شورای امنیت در رابطه با کرامت انسانی
۵۵	مبحث سوم: کرامت انسانی در شورای حقوق بشر
۵۸	مبحث چهارم: کرامت انسانی در دبیرخانه سازمان ملل
۵۹	گفتار دوم: ارکان فرعی سازمان ملل و موضوع حقوق بشر و کرامت انسانی
۶۲	مبحث اول: کرامت انسانی در رویه قضایی داخلی
۶۵	مبحث دوم: کرامت انسانی در رویه قضایی بین‌المللی
۷۴	گفتار سوم: کرامت انسانی در سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی و تجاری، مالی
۷۶	مبحث اول: نقش سازمان تجارت جهانی در رابطه با کرامت انسانی
۷۸	مبحث دوم: نقش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و تأثیر آن در ارتقاء حقوق بشر و کرامت انسانی
۸۳	بخش دوم: حق برخورداری از سطح کافی زندگی و کرامت انسانی
۸۴	گفتار اول: امنیت غذایی و فقرزدایی در سامانه حقوق بشر و کرامت انسانی
۸۷	مبحث اول: حق بر غذا و حق بر سلامت انسان و کرامت انسانی
۸۸	مبحث دوم: حق بر غذا و حق بر عدم تبعیض و کرامت انسانی
۸۸	گفتار دوم: تحقق حق بر غذا در سطح بین‌المللی و کرامت انسانی
۸۹	مبحث اول: نقش سازمان خواروبار کشاورزی (fao) در رابطه با کرامت انسانی
۹۰	مبحث دوم: حق آب آشامیدنی و کرامت انسانی
۹۳	نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۹۵	ضمائم
۱۰۰	فهرست منابع
۱۰۳	اختصارات عبارات خارجی

مقدمه

شاید چنین تصور شود که مقوله حقوق بشر از موضوعات جدید حقوق بین‌المللی است در حالی که سابقه این موضوع به قرن‌ها قبل و به عبارت دقیق‌تر به عهد باستان و زمان امپراطوری هخامنشی برمی‌گردد بر اساس اسناد به دست آمده، کوروش کبیر نخستین کسی بود که در سنگ‌نوشته‌ای به طرح برخی از موضوعات حقوق بشر پرداخته است. ارزش این سنگ‌نوشته که امروزه در موزه بریتانیا نگه‌داری می‌شود. زمانی به خوبی درک می‌شود که بدانیم آن نه تنها در زمان خود یعنی در سال ۵۳۹ پیش از میلاد بسیار بی‌بدیل بود (زیرا به تدوین اصولی می‌پردازد که در تعارض آشکار با حقوق عرفی زمان خود که همانا تبعیض نژادی، تجاوز، قتل، غارت و به بردگی بردن انسان‌ها بود).

بلکه در عصر حاضر و به عبارت دقیق‌تر پس از جنگ جهانی دوم نیز ارزش آن در جامعه و حقوق بین‌الملل مورد توجه جهانی قرار گرفته است.^۱

باید اذعان نمود که حقوق ذاتی انسان‌ها صرف‌نظر از تفاسیر مختلفی که در اسناد حقوق بشر از آن گردیده است، صرفاً به عنوان یک مطلب نهفته در داخل یک سری مفاهیم نیست، که تنها جنبه شعاری و اخلاقی داشته باشد، بلکه به طور محسوس و ملموس و مشهود مجموعه حقوق بشر در جزئیات خویش مفاهیم مختلفی در حیات بشری دارند، مسائل آن حیاتی و پر اهمیت بوده، با تجربه بشر، تاریخ، آزادی، عقلانیت بشر، همراه بوده ارتباط آن با سایر انسان‌ها و ابناء بشر درهم آمیخته است. که بعداً دو حقوق اصلی و اساسی به نام حقوق مدنی و سیاسی برای همه افراد در سرزمین تحت صلاحیت به عنوان حقوق فردی و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به عنوان حقوق جمعی پس از مطالعات فراوان به رسمیت شناخته شد.

در مورد دیوار حائلی که بین حقوق جمعی و فردی به وجود آمده است. کریستوفر (Christopher) یکی از صاحب‌نظران مجله اروپایی حقوق بین‌الملل معتقد است، آنها مکمل یکدیگر بوده، و وجه تمایز آنها فقط در وضعیت‌های خاص کاربردی مشاهده می‌گردد. مثلاً یک سری حقوق

۱. کارو دومینیک، ۱۳۸۳، حقوق بشر، انتشارات میزان، ص ۶.

بنیادی از قبیل برابری انسان‌ها، عدالت، برقراری صلح و امنیت برای هر انسانی که در یک جامعه دموکراتیک زندگی می‌کند ضروری‌ترین نیازمندی‌های ابناء بشر است، مشکل و پیچیدگی قدری در تفسیر اسناد بوده که برای قضاوت و احقاق حق در مراجع بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا معیارهای تفسیر جهت قضاوت و برقراری عدالت باید مستند و متناسب با مفاد و اصول مرتبط با حقوق بشر باشد. اصولی که کاملاً مدوّن و مشخص می‌باشند.^۱ برای انسان حقوقی در اجتماع و فرهنگ‌های خاص وجود دارد اگرچه حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان حقوق جدید یا حقوق نسل دوّم شناخته شده است، اما آنها سابقه دیرینه داشته و در قرون گذشته متمادی شناخته شده‌اند. هم در حقوق ملّی آمریکا، و هم در حقوق ملّی فرانسه در هر دو اعلامیه‌ای که تحت عنوان اعلامیه حقوق فرانسوی و شهروند، و اعلامیه حقوق آمریکایی و شهروند در قرن هیجدهم صادر شده است. مفاهیم مشابه برابری و برادری و حقوق مشارکت تجاری و داد و ستد و شرایط سالم کار مشاهده می‌شود. در اولین اجلاس انستیتوی حقوق بشر سازمان بین‌المللی کار موضوع حمایت از حقوق کارگران مطرح شد. این سازمان اولین سازمان منعکس‌کننده و منتشرکننده حقوق بشر بوده است. فعالیت این سازمان تا سال ۱۹۱۹ به عنوان اولین سازمان جهانی در جهت برقراری و تضمین برخی از حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی بر اساس عدالت اجتماعی آغاز شد، تا اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مفاهیم پذیرفته شده در سازمان مزبور را تکرار کرد و آن را به عنوان حقوق ذاتی و غیرقابل سلب جهت کلیه ابناء بشر و حقوق بنیادی، آزادی، عدالت و صلح جهانی پذیرفت ایران نیز از سال ۱۹۱۹ به عضویت آن سازمان درآمد و تاکنون ۱۱ مقاله‌نامه بین‌المللی کار را تصویب نموده است بعدها برخی از حقوق پذیرفته شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد میثاق دوم حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و برخی دیگر آن وارد حقوق میثاق اول حقوق مدنی و سیاسی گردید. موضوع حقوق بشر به طور کلی شامل آن دسته حقوق طبیعی و ذاتی بوده که بدون آن انسان نمی‌تواند زندگی نماید، هر انسانی باید از این حقوق بهره‌مند گردد. حقوق بشر و آزادی‌های

1. The European Journal of international law vol. 19 No 5 © E Jil 2008: all rights reserved. P.933.

اساسی به ما اجازه می‌دهد کیفیت‌های انسانی خود را به طور کامل بسط و مورد استفاده قرار دهیم و نیازهای روحی و دیگر نیازهای خود را برآورده سازیم.^۱

کماکان در تفسیر اسناد کشورهای مختلف تفاسیر مشابهی از حقوق بین‌المللی بشر شده است. مثلاً دکترین حقوقی انگلستان در انتشارات عفو بین‌المللی، دبیرخانه بین‌المللی انجمن پطروس نی‌سون لندن از حقوق بشر به شرح ذیل تعبیر و تفسیر شده است.^۲

۱- ادعا و استرداد خسارت در خصوص نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بعد از جنگ سرد و در جریان احقاق حق برای دارنده حقوق مزبور باید مورد قبول قرار گیرد.

۲- حقوق اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، متضمن حق غذای مناسب، مسکن مناسب، حق تحصیل و آموزش، حق آب آشامیدنی سالم، حق بهداشت و درمان، حق کار مناسب و حقوق و دستمزد کار می‌باشد.
۳- تقید و تعهد به اجرای قوانین بین‌المللی که ویژگی قواعد آمره دارند از قبیل تکلیف به احترام و حمایت در رعایت کلیه حقوق شهروندی (مدنی) باید مدنظر باشد.

۴- احترام به تعهدات مرزی بین‌المللی کشورها به عنوان یک اصل پذیرفته شده است.

۵- شناسایی و تعیین متجاوزان به حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مجازات آنان

۶- مخاصمات مسلحانه نباید بهانه‌ای برای نقض حقوق بشر باشد

۷- اعمال ناشایست و تدابیر زشت از طریق کشوری قابل توجیه و اعتذار نیست حال چه کسی

در این خصوص مسئولیت دارد؟ همه در راستای تحقیق این حقوق مسئول و مکلفند

۸- همه حقوق برای همه مردم (زنان - مردان - اطفال - افراد بومی و مهاجرین) پناهندگان و

مردم داخلی بدون جا و مکان لازم‌الاجرا است.

۹- دفاع از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم در تمام عرصه‌های ملی و بین‌المللی

حقوق بشر از حدود و شعور ملی و ایدئولوژیکی ملتها خارج می‌گردد. و با تعهداتی با وصف

۱. شایگان، فریده و سایرین، ۱۳۸۲، تقویت همکاری‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران، ص ۱۵۰.

2. Human Rights for Human dignity aprimer on economic, social and cultural Rights' © CopyRight Amnesty international Publication 2005 P.2.

بین‌المللی^۱ که تحولات هنجاری و ساختاری بین‌المللی دلالت بر انسانی کردن نظم حقوق بین‌المللی حاکم بر روابط بین دول و در مقابل جامعه بین‌المللی دارد. با توجه به نسبیتهای فرهنگی بین ملل باید مجموعه‌ای حداقل‌ها، حول محور انسانیت و فراتر از عواملی چون مذهب، فرهنگ، قوم - نژاد، لهجه و سایر خلاءهای موجود در سطح جهانی به رسمیت شناخته شوند. در این پژوهش تأثیرات مثبت تفاسیر اسناد و مدارک بین‌المللی و مربوط به حقوق بشر در ارتقاء کرامت انسانی با هنجارگرایی بین‌المللی حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفته و برای رسیدن به اهداف و کلیات تحقیق سؤالاتی به شرح ذیل مطرح می‌گردد.

۱. Erga-Omnes که در رأی بارسلو تراکشن، دیوان بین‌المللی دادگستری از آن به عنوان تعهدات در مقابل جامعه بین‌المللی تعبیر نموده است.

بیان مسأله

کرامت انسانی در تفسیرهای حقوق بشر

مقدمه منشور ملل متحد نیز ایمان به حقوق اساسی بشر و کرامت انسانی می‌پردازد. اعلامیه جهانی حقوق بشر هم در مقدمه‌اش به شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضاء خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان که اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد، مبادرت ورزیده است. واژه فوق کماکان در سایر اسناد بین‌المللی چون میثاقین ۱۹۶۶، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و حقوق بشر دوستانه مشاهده می‌شود که کرامت انسانی «Dignity» به عنوان منزلت و کرامت والای هر انسان برای همگان به رسمیت شناخته می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- تفسیر قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل در خصوص ارتقاء حقوق بشر و کرامت انسانی مؤثر است.
- ۲- عملکرد دادگاه‌های بین‌المللی در جهت جلوگیری از نقص حقوق بشر در ارتقاء کرامت انسانی نقش مؤثر دارد.
- ۳- سازوکارهای نظارتی بر اجرای حقوق بشر در ارتقاء کرامت انسانی تأثیر دارد.
- ۴- عهدنامه‌ها و اسناد و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر در ارتقاء کرامت انسانی نقش مؤثری را ایفا می‌کنند.

شیوه‌های تحقیق

برای این تحقیق به طور عمده، از روش توصیفی تحلیلی استفاده گردید. این پژوهش با استفاده از کتابخانه‌های مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران، کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی - کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی و سایر کتابخانه‌ها از طریق فیش‌برداری انجام گردید همچنان از

سایت‌های اینترنتی حقوق بشر و ترجمه متون حقوقی از زبان انگلیسی، و مصاحبه با برخی اساتید و اندیشمندان مطلع در این زمینه استفاده گردید. تا حدودی از نشریات بین‌المللی حقوق بشر نیز بهره‌گیری شده است.

یافته‌های کلی پژوهش

- ۱- برای اعتلا و تحقق معیارهای حقوق بشر باید کلیه دولت‌ها در جهت نرم‌سازی حاکمیت و تبدیل یک حاکمیت مطلق و خشن به یک حکمرانی مطلوب (good governance) ارزش‌های انسانی را رعایت نمایند.
- ۲- حاکمیت ملی باید محتوای رعایت موازین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را در موارد اضطراری در برداشته باشد وگرنه حاکمیت فاقد این موازین مشروعیت نخواهد داشت.
- ۳- حقوق بشر باید از محدوده آموزه‌های اخلاقی و یک سری شعارهای معنوی خارج گردیده و به حقوق موضوعه تبدیل شود.
- ۴- حقوق بشر باید وارد قوانین اساسی کشورها گردیده و قانون‌گذاران، مجریان قانون در هر کشور با آن معیارها تعامل نزدیک داشته باشند.
- ۵- باید ترتیباتی اتخاذ گردد که افراد حقیقی و حقوقی ضمن محترم شمردن قوانین مربوط به تابعیت داخلی به عنوان تابعان حقوق بین‌المللی عمومی (حقوق بشر) شناخته شوند تا در جهت نقض حقوق خود بتوانند نزد محاکم بین‌المللی دادگستری برای احقاق حق خود اقدام دعوی نمایند.
- ۶- برای افرادی که به اشتباه تحت تعقیب و مجازات قرار گرفته‌اند جبران خسارت و اعاده حیثیت انجام شود.
- ۷- دولت‌ها به تدریج در جهت اعتلای حقوق جمعی شهروندان اقدام نموده و از سازمان‌های بین‌المللی نیز استمداد طلبند.
- ۸- کلیه حاکمیت‌ها با توجه به صلاحیت جهانی در جهت تعقیب متخلفان و مجرمین بین‌المللی حقوق بشر اقدام نمایند (به موجب اصل صلاحیت جهانی یک دولت می‌تواند و بلکه موظف است تا

در رابطه‌ی پاره‌ای جرائم مهم قطع نظر از محل وقوع آنها و تابعیت شخص مجرم یا قربانی به جرم مزبور رسیدگی نماید) این جرائم اصولاً جرائم سنگین حقوق بشری هستند!^۱

۹- در جهت شفاف‌سازی حقوق بشر در ساختار کلی جامعه بشری و درک آن از طریق شهروندان جهت صیانت آموزش‌های لازم کلینیکی انجام شود.

1. Willard B. Cowles, Universal Jurisdiction over war crimes, 33 cal, L, Rew.

تعریف کرامت انسانی

کرامت انسانی در ادبیات و آموزه‌های علمی و مذهبی ما بکرات مورد اشاره واقع شده است. در فرهنگ فارسی کرامت به معنی بزرگی ورزیدن، بخشندگی، جوانمرد بودن، و یا یک امر خارق عادت است که از اولیاء و صالحان دیده می‌شود. حتی از کرامت قدری پایین‌تر از معجزه که خاص انبیاء عظام الهی است تعبیر شده است.^۱ در قرآن کریم که رکن اساسی مذهب ما می‌باشد مفصلاً در آیات مختلف بدان اشاره شده است، به ویژه «و لقد کرمنا بنی آدم و حملنا هم فی البرّ... و فضلناهم کثیر مِمَّنْ خلَقنا تفضیلاً»^۲ خداوند به کرامت بخشیدن به فرزندان آدم اشاره فرموده، و به اعطای امتیاز بیشتر و برتری به انسان نسبت به سایر موجودات یاد می‌کند در آیه ۱۳ سوره حجرات نیز به کرامت انسانی تأکید می‌کند و می‌فرماید «انّ اکرمکم عندالله اتقیکم» یعنی ملاک کرامت رعایت تقوی و پرهیزگاری است. لذا انسانی که کرامت دارد باید دیگران را تکریم نماید.

از زمانی که خداوند یکتا انسان‌ها و جهان هستی را آفرید، به هر انسانی حیثیت و اعتبار عطا فرمود، و در کالبد آنان روح خود را دمید. در ذات و ماهیت آفرینش همه انسانها مثل هم هستند. فقط تفاوت‌های جزئی از لحاظ ملیت، رنگ، نژاد، مذهب و ... باهم دارند که از دیدگاه الهی مهم نمی‌باشند. خدای همه‌ی انسانها یکی است لذا آنان از یگانگی و برادری در بشریت برخوردارند. اما هم دولت‌های اسلامی و هم سایر دول فقط در یک محدوده جغرافیایی مستقر نمی‌باشند و ممکن است انسان‌هایی با قوم و قبیله و زبان و نژاد مختلف در اقصی نقاط دنیا مشغول حیات باشند دایره‌ای که خداوند برای کرامت انسانی تعیین نموده است بسیار وسیع می‌باشد. او عدالت را لازمه کرامت

۱. عمید، حسن، ۱۳۷۹، فرهنگ مفصل عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۶۲۶.

۲. قرآن کریم، سوره‌ی اسراء آیه ۶۹.

می‌داند که حکومت‌ها باید درباره افراد تحت حاکمیت خود رعایت نمایند. ظلم و ستم را به مردان، زنان، کودکان، افراد مریض و زخمی نهی می‌فرماید. معالجه فوری افراد مریض و پوشاندن افراد برهنه و تغذیه گرسنگان را از نشانه‌های کرامت می‌داند. اما کرامت در زبان انگلیسی از کلمه‌ی «Dignity» ناشی می‌شود که پس از رواج حقوق بشر در مستندات و مدارک حقوقی بین‌المللی بکرات به چشم می‌خورد که معادل آن در زبان فارسی کلمه‌ی کرامت، والایی، شأن و منزلت بالای انسان است که به هر فردی ذاتاً به صرف انسان بودن اعطاء شده است.

صاحب‌نظران اسلامی معتقدند که کرامت را خداوند در مفهوم موسّع به انسان اعطاء فرموده است. لذا غیرقابل سلب است. پیامبر اکرم (ص) در آخرین لحظه زندگی خویش فرمود زندگی شما و اموالتان مصون از تعرض است. همه‌ی شما در روز رستاخیز خداوند را ملاقات خواهید کرد. هیچ کس حق کشتن یک انسان را ندارد حتی اگر یک شهروند مسلمان یک فرد غیرمسلمان را بکشد هرگز بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد^۱.

قرآن اجازه نمی‌دهد یک نفر انسان مورد تمسخر یا بی‌احترامی و توهین قرار گیرد. غیبت کردن و سایر اعمال ناشایست را برای دیگران مذموم می‌داند. امنیت و آرامش زندگی همه‌ی مردم باید تضمین گردد. از توقیف کسی قبل از اثبات گناهش در یک دادگاه نهی نموده و حرمت و کرامت هر انسانی را واجب می‌داند. کرامت انسانی همان رعایت حقوق و احترام گذاشتن به آزادی‌های فردی و جمعی (حقوق بشر) است و حقوق بشر همان کرامت بشری است^۲.

1. WWW.islam land.com Human Rights. in islam.

۲. ذاکریان، مهدی، ۱۳۸۸، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌الملل، تهران: نشر میزان، ص ۱۹.

فصل اول

تفسیر کرامت انسانی در معاهدات بین‌المللی

و اسناد سازمان ملل

بخش اول

کرامت انسانی در معاهدات بین‌المللی

به طور کلی معاهده یک توافق کتبی است که به وسیله آن دو یا چند دولت یا سازمان‌های بین‌المللی رابطه‌ای را بین خود در قلمرو حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کنند یا در صدد ایجاد آن هستند.^۱ توجه به کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها^۲ یکی از مهم‌ترین و مطرح‌ترین موضوع در حقوق بشر است. که صرف نظر از نژاد، زبان، مذهب، جنسیت و ... مطرح می‌گردد هدف از معاهدات حقوق بشر نیز تأمین و حمایت از حقوق کلیه انسان‌هایی است که در اقالیم مختلف با فرهنگ‌های مختلف زندگی می‌نمایند.

حقوق بشر همچنین مبنا و هدف غایی و نهایی همه فعالیت‌های نظام ملل متحد است. بر این اساس در مقدمه منشور ایمان ملل متحد به حقوق اساسی بشر، شأن و ارزش مشخص انسان، حقوق برابر زنان و مردان و ملت‌های کوچک و بزرگ مورد تأیید قرار گرفته است. طبق بند (۳) ماده ۱ منشور ملل متحد نیز یکی از مقاصد این سازمان توسعه همکاری‌های بین‌المللی در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب است. مجمع عمومی سازمان ملل از سال ۱۹۹۷ قطعنامه‌هایی را در جهت تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر تصویب نموده است. لذا در اکثر معاهدات بین‌المللی مفاهیم حقوق بشر با شفافیت هرچه بیشتر تفسیر شده است. حقوق مشخص شده به وسیله اسناد متعدد حقوق بشر منبعی مشترک برای حقوق اساسی بشر است که برای همه شهروندان وجود دارد به ویژه معاهداتی در سطح منطقه‌ای، جهان حقوق اساسی را غیرقابل اعراض می‌دانند اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر متفاوت می‌باشند در سطح جهانی میثاق حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل و پروتکل‌های الحاقی آن و نیز پیمان‌نامه ملل متحد راجع به محو کلیه اشکال تبعیض نژادی از مهم‌ترین اسناد بین‌الملل هستند که روش‌های

۱. موسی‌زاده، رضا، ۱۳۸۳، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران، انتشارات میزان، ص ۳۵.

2. Human. Dignity